

گونه‌شناسی تحلیلی روایات تأویلی سوره نمل*

محمدهادی قهاری کرمانی**

چکیده

۲۹



سال دوازدهم / شماره ۲۲ / بهار و تابستان ۱۴۰۰

اهل بیت علیهم‌السلام در بسیاری از روایات به تأویل آیات قرآن پرداخته‌اند؛ اما در تفاسیر و کتب روایی، روایات تأویلی از تفسیری تفکیک نشده است. جداسازی روایات تأویلی از روایات تفسیری و تعیین نوع تأویل آنها اهمیت و ضرورت دارد. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این پرسش بوده که در روایات تأویلی سوره نمل چه نوع تأویلاتی صورت گرفته است؟ در این راستا، بر اساس معنای اصطلاحی تأویل قرآن در آیات و روایات، روایات تأویلی سوره نمل از بین روایات تفسیری آن استخراج و با روش توصیفی - تحلیلی مشخص شد که شش نوع تأویل در این روایات وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق اطلاق یا عموم آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، معنای آیه متشابه و تحقق مفاد آیه.

واژگان کلیدی: تأویل قرآن، انواع تأویل قرآن، روایت تأویلی، سوره نمل.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳.

** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران؛ (ghahari@uk.ac.ir).

مقدمه

ژرفای نهایت‌ناپذیر قرآن، یکی از مهم‌ترین رموز ماندگاری قرآن در بستر طولانی زمان است. این ویژگی سبب می‌شود مجموعه‌ای به‌ظاهر محدود از ظرفیتی نامحدود برخوردار گردد و آنچه به‌ظاهر ثابت می‌نماید، از پویایی درونی و همیشگی برخوردار باشد. ظرفیت نامحدود قرآن در صورتی که به فعلیت برسد و متناسب با نیازهای زمان تفسیر گردد، با زندگی و نیازهای مؤمنان ارتباط برقرار می‌کند و به حاجات آنان در عرصه‌های گوناگون پاسخی شایسته می‌دهد. برخورداری قرآن از تأویل، به این معناست که این کلام الهی علاوه بر آنچه با ظاهرش عرضه می‌کند، مفاهیم و معارف دیگری را نیز در خود دارد که از طریق روایات اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان بهترین راه، می‌توان آنها را استخراج نمود؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم‌السلام، همتای قرآن به‌شمار می‌روند.

درباره اهمیت و ضرورت این تحقیق باید گفته شود که در منابع تفسیری روایی، روایات تأویلی از روایات تفسیری تفکیک نشده است. به‌نظر می‌رسد علت آن، روشن‌نبودن ماهیت تأویل قرآن برای مؤلفان این منابع به‌طور کامل بوده است؛ از این رو در این پژوهش ضمن مشخص‌شدن ماهیت تأویل قرآن بر اساس آیات و روایات، به جداسازی روایات تأویلی از روایات تفسیری سوره نمل پرداخته شده است.

سؤال اصلی این‌مقاله آن است که در روایات تأویلی سوره نمل چه گونه‌های تأویلی صورت پذیرفته است؟ از آنجا که در بین روایات تأویلی سوره نمل، روایاتی وجود دارد که به تأویل آیات پرداخته‌اند، در این پژوهش برآنیم تا آن روایات را استخراج و دسته‌بندی نموده و بر اساس آن، انواع تأویل آیات سوره نمل را کشف نماییم.

در مورد تأویل قرآن، پژوهش‌هایی صورت پذیرفته که از کتاب «روش‌های تأویل قرآن» محمد کاظم شاکر و مقالات «تأویل قرآن» نوشته علی‌اکبر بابایی^۱، «تأویل قرآن در منظر اهل بیت علیهم‌السلام» نوشته حمید آگاه^۲، «معناشناسی تأویل در روایات» نوشته محمد فرجاد^۳

۱. ر.ک: مجله معرفت، شماره ۶.

۲. ر.ک: مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵ و ۶.

۳. ر.ک: مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸.

«معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت (علیهم السلام)» نوشته سید حیدر علوی نژاد،^۱ «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن‌پژوهان معاصر» نوشته شهاب‌الدین ذوقفاری،^۲ «تأویل از نگاه تحقیق» نوشته علی نصیری^۳ و «تأویل» نوشته محمدکاظم شاکر^۴ به‌عنوان مهم‌ترین آثار که پیشینه این تحقیق به‌شمار می‌روند، می‌توان نام برد.

در مورد نقاط افتراق این مقاله با پژوهش‌های یادشده باید گفته شود: ۱. در آثار یادشده، ماهیت تأویل قرآن با آنچه که در این تحقیق تعریف شده، متفاوت است؛ ۲. تبیین انواع تأویل قرآن بر اساس آیات و روایات در این پژوهش نسبت به پژوهش‌های مذکور تفاوت دارد؛ ۳. در هیچ‌یک از تحقیقات یادشده به استخراج روایات تأویلی سوره نمل و تعیین نوع تأویل آنها اهتمام ورزیده نشده است.

همچنین مقالات «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن»،^۵ «انواع روایات تأویلی سوره آل عمران درباره حضرت علی (علیه السلام)»،^۶ «انواع روایات تأویلی سوره هود درباره امام علی (علیه السلام)»،^۷ «گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره نحل درباره امیرمؤمنان (علیه السلام)»^۸ و «گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)»^۹ همگی نوشته محمدهادی قهراری کرمانی به‌عنوان پیشینه این پژوهش محسوب می‌گردند که تنها نقطه اشتراک آنها با این مقاله، تعریف ماهیت تأویل قرآن و تعیین انواع آن می‌باشد.

الف. تأویل در لغت و اصطلاح قرآن و روایات

قبل از ورود به مبحث بیان گونه‌ها، ابتدا به معنای لغوی و اصطلاحی «تأویل» از نگاه قرآن و روایات می‌پردازیم.

۱. ر.ک: مجله حسنا، شماره ۲.

۲. ر.ک: مجله حسنا، شماره ۲۱.

۳. ر.ک: بینات، شماره ۱۷.

۴. ر.ک: دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۷، ص ۹۰ - ۱۱۱.

۵. ر.ک: پژوهشنامه تأویلات قرآنی، شماره ۳.

۶. ر.ک: دوفصلنامه پژوهش‌نامه نقد آراء تفسیری، شماره ۲.

۷. ر.ک: مطالعات علوم قرآن، شماره ۷.

۸. ر.ک: دوفصلنامه پژوهشنامه تأویلات قرآنی، شماره ۶.

۹. ر.ک: فصلنامه سفینه، شماره ۷۳.

۱. تأویل در لغت

کتاب لغت برای تأویل چهار معنا مطرح کرده‌اند که عبارت‌اند از: الف. مرجع و عاقبت امر؛^۱ ب. سیاست و تدبیرکردن؛^۲ ج. تفسیرکردن؛^۳ د. برگرداندن معنای ظاهر لفظ به معنای غیرظاهر؛^۴

در کتاب لغت یادشده، تأویل در اکثر موارد به معنای وصفی (مرجع و عاقبت امر) و گاهی به معنای مصدری (رجوع و ارجاع‌دادن) به کار رفته است؛ از آنجا که استعمال تأویل به معنای وصفی شیوع بیشتری دارد، لذا این معنا به عنوان معنای یکم مطرح گردید. همچنین معنای یکم، سوم و چهارم در مورد «تأویل کلام» کاربرد دارند؛ اما معنای دوم به «تأویل کلام» ارتباطی ندارد.

نکته دیگر آنکه معنای دوم، سوم و چهارم را می‌توان به معنای یکم برگرداند. توضیح آنکه درباره معنای دوم می‌توان گفت کسی که تدبیر و سیاست می‌کند پشت قضایا و عاقبت امور را می‌بیند و قضایا را بر اساس نتیجه و سرانجام آنها پیش می‌برد. در مورد معنای سوم یعنی تفسیرکردن، خلیل بن احمد آن را به تفسیر سخنی که معانی مختلفی دارد و فهم معنای صحیح آن نیازمند بیان و توضیح دیگری می‌باشد، تعریف کرده است.^۵ به دیگر سخن، تأویل‌گر با ملاحظه وجوه متعدد معانی، وجه درست را که همان معنای ظاهری نهایی است انتخاب نموده و به لفظ نسبت می‌دهد؛ بنابراین تأویل به معنای سوم به نوع خاصی از تفسیر اطلاق می‌گردد، چنان‌که برخی لغویان گفته‌اند:

تأویل عبارت از تفسیر و بیان عاقبت و سرانجام یک امر است.^۶

تأویل به معنای چهارم نیز ممکن است به معنای یکم برگردد با این بیان که معنای غیرظاهر کلام همان معنای باطنی، عمیق و غایت معانی کلام است.

به نظر می‌رسد برخی بررسی‌های لغوی متأخر و معاصر که با تکیه بر نظر ابن فارس، تأویل را از اضداد شمرده و آن را هم به معنای ابتدای امر و هم به معنای انتهای امر دانسته است؛^۷ قابل ملاحظه باشد؛ زیرا ابن فارس در هیأت فعلی ماده «أول» که تأویل، ناظر به آن است، از معنای ابتدای

۱. ر.ک: ترتیب کتاب العین، ج ۱، ص ۱۲۰؛ معجم تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۴۵۸؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۸؛

الصحاح اللغة، ج ۲، ص ۱۲۲۶؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۲۶۴؛ المفردات، ص ۳۱.

۲. ر.ک: معجم تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۴۵۸.

۳. ر.ک: ترتیب کتاب العین، ج ۱، ص ۱۲۰؛ معجم تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۴۵۸.

۴. النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۱، ص ۸۰.

۵. ر.ک: ترتیب کتاب العین، ج ۱، ص ۱۲۰.

۶. الصحاح اللغة، ج ۲، ص ۱۲۲۶.

۷. ر.ک: بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، ج ۱، ص ۷۹؛ دایرة المعارف قرآن کریم، ص ۱۹.

امر، سخنی به‌میان نیاورده است؛ بلکه وی برای ماده «أول» دو اصل و ریشه معنایی متفاوت معرفی می‌کند که اصل یکم به‌معنای ابتدای امر است که در واژه «أول» مشاهده می‌شود؛ و اصل دوم به‌معنای انتهای امر است که آن را در صورت‌های متعددی از این ماده از جمله در واژه «تأویل» مورد توجه قرار داده است.^۱ از این رو ضرورتی ندارد معنای ابتدای امر را در باب تأویل کلام جستجو نموده و تأویل کلام به‌معنای انگیزه و قصد اولیه گوینده دانسته شود.^۲

نتیجه آنکه معنای اصلی تأویل، عاقبت و سرانجام یک امر است و «تأویل کلام» همان مقصود اصلی و نهایی کلام خواهد بود.

۲. تأویل قرآن در اصطلاح آیات و روایات

ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات تعریف نشده است؛ لذا بهترین راه برای معناشناسی تأویل قرآن رجوع به آیات و روایات است تا بر اساس کاربردهای قرآنی و روایی این اصطلاح، ماهیت تأویل قرآن کشف شده و تعریفی جامع برای آن ارائه گردد. نگارنده در مقاله‌ای دیگر، کاربردهای تأویل قرآن در آیات و روایات را بررسی و ماهیت آن را مشخص نموده است.^۳

لفظ تأویل، در ضمن هفت سوره از قرآن هفده‌بار استعمال شده است.^۴ از این تعداد، پنج مورد آن درباره قرآن به‌کار رفته است که دوبار^۵ به‌اتفاق مفسران به‌معنای «مقصود از آیات متشابه» و سه‌بار^۶ به‌حسب ظاهر و به‌نظر مشهور به‌معنای «تحقق عینی وعد و وعیدهای قرآن در آخرت» می‌باشد.^۷ در روایات، کلمه تأویل در مورد قرآن در هشت معنا استعمال شده است که عبارت‌اند از: معنای ظاهری آیه، مصداق ظاهری آیه، معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، مصداق عموم یا اطلاق آیه، تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه.^۸ بنابراین

۱. ر.ک: معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. ر.ک: پژوهشی در محکم و متشابه، ص ۱۵۳.

۳. ر.ک: «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، ص ۷۲ - ۸۴.

۴. ر.ک: آل عمران: ۷؛ نساء: ۵۹؛ اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹؛ یوسف: ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱؛ اسراء: ۳۵؛ کهف: ۷۸ و ۸۲.

۵. ر.ک: آل عمران: ۷.

۶. ر.ک: اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹.

۷. ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۵۷ و ج ۵، ص ۱۶۷؛ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۹۶ و ج ۸، ص ۲۹۵.

۸. «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، ص ۷۱-۷۲.

«تأویل قرآن» در لسان آیات و روایات دارای هشت معنا می‌باشد. البته می‌توان این معانی هشت‌گانه را در دو معنای عام و خاص برای تأویل قرآن خلاصه نمود. «تأویل قرآن» به معنای عام همه معانی هشت‌گانه را در بر گرفته است؛ اما «تأویل قرآن» به معنای خاص فقط شامل معنای سوم تا هشتم می‌باشد. دلیل این تقسیم آن است که با مرور آیات و روایاتی که در آنها کلمه تأویل در مورد قرآن استعمال شده است، مشاهده می‌شود که تمامی آیات و اکثر روایات، ناظر به معنای تأویل قرآن به معنای سوم تا هشتم است.^۱

نکته دیگر آنکه دو معنای اول تأویل قرآن یعنی معنا و مصداق ظاهری آیه در حوزه تفسیر قرآن قرار می‌گیرد؛ اما طبق آنچه در بررسی معنای لغوی تأویل گذشت که لغت‌شناسان یکی از معانی تأویل را تفسیرکردن دانستند؛ لذا تأویل قرآن به معنای عام شامل تفسیر نیز می‌شود؛ از این رو در روایات، به این دو معنا نیز اطلاق تأویل شده است. بنابراین تأویل قرآن به معنای عام، اعم از تفسیر بوده و نسبت آن با تفسیر، عموم و خصوص مطلق است؛ ولی تأویل قرآن به معنای خاص نسبتش با تفسیر، تباین می‌باشد.^۲

مراد از تأویل قرآن در این مقاله، تأویل به معنای خاص است؛ بنابراین ما درصدد بیان روایات تأویلی سوره نمل هستیم که مشتمل بر یکی از معانی سوم تا هشتم باشند.

ب. انواع روایات تأویلی سوره نمل

در میان روایات مرتبط با سوره نمل، روایاتی وجود دارد که آیات این سوره را تأویل کرده‌اند. این تأویلات به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که در ادامه، آنها را ذکر می‌کنیم.

۱. معنای باطنی آیه

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری از معانی، مقاصد و معارف عمیق باطنی برخوردار است که همگان را یارای فهم آن نمی‌باشد و علم آن ویژه «راسخان در علم» است. اصل وجود باطن برای قرآن، مورد اتفاق خاصه و عامه است و روایات فراوانی که به تواتر معنوی رسیده بر آن دلالت دارد.^۳ در برخی از روایات ضمن پذیرفته شدن اینکه قرآن کریم دارای بطن و بطون (معنای باطنی) است، بطن آن «تأویل» نامیده شده است. فضیل بن یسار از امام

۱. همان: ص ۸۴.

۲. همان.

۳. ر.ک: روش‌های تأویل قرآن، ۸۷ - ۹۱.

باقر علیه السلام سؤال می‌کند که مقصود از ظهر و بطن قرآن چیست؟ حضرت فرمود:

ظهر قرآن، تنزیل آن و بطن قرآن، تأویل آن می‌باشد؛ بخشی از تأویل قرآن محقق شده و بخش دیگر آن هنوز محقق نشده است؛ قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد.^۱

در روایات تأویلی سوره نمل روایاتی مشاهده شد که معنای باطنی آیه را بیان کرده‌اند که در ادامه به نقل آن می‌پردازیم.

یک. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «طس»^۲ روایت شده که فرمود:

طس فَمَعْنَاهُ أَنَا الطَّالِبُ السَّمِيعُ؛ طس یعنی منم جوینده شنوا.^۳

از آنجا که برای حروف مقطعه معنای ظاهری متصور نمی‌شود، لذا همه معانی‌ای که در روایت فوق برای «طس» ذکر شده، جزء معانی باطنی این حروف به‌شمار می‌روند. به دیگر سخن، تأویل در این روایت از نوع معنای باطنی آیه است.

دو. از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^۴ چنین روایت شده است:

لَا تَكُونُ الْخِلَافَةُ فِي آلِ فُلَانٍ وَلَا آلِ فُلَانٍ وَلَا آلِ فُلَانٍ وَلَا آلِ الرَّبِيعِ؛ خلافت در فلان خانواده و فلان خانواده و خاندان طلحه و زبیر نخواهد بود.^۵

با مقایسه معنای ظاهری آیه ۵۲ سوره نمل و آنچه در این روایت مطرح شده است، روشن می‌شود که تأویل در این حدیث از نوع بیان معنای باطنی آیه محسوب می‌گردد.

سه. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۶ روایت شده که فرمود:

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. نمل: ۱.

۳. معانی الاخبار، ص ۲۲.

۴. نمل: ۵۲.

۵. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۶. نمل: ۶۱.

أَيُّ إِمَامٍ هُدَىٰ مَعَ إِمَامٍ ضَلَّالٍ فِي قَرْنٍ وَاحِدٍ؛ یعنی امام هدایت‌کننده با امام گمراهی در یک دوره می‌باشند؟!^۱

با مقایسه معنای ظاهری آیه ۶۱ سوره نمل و آنچه در این روایت مطرح شده، واضح است که تأویل در این حدیث از نوع بیان معنای باطنی آیه به‌شمار می‌رود.

۲. مصداق باطنی آیه

مراد از مصداق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به‌لحاظ معنای باطنی آیات است. در پاره‌ای از روایات تأویلی سوره نمل، مصادیق برجسته‌ای از مفاهیم باطنی آیات مطرح شده است. در اینجا به ذکر آن روایات می‌پردازیم.

یک. از واقعی چنین روایت شده که جبرئیل به پیامبر ﷺ عرض کرد:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَس؛ سلام بر توای طس!^۲

از آنجا که برای حروف مقطعه مصداق ظاهری متصور نمی‌شود، لذا مصداقی که در روایت فوق برای «طس»^۳ ذکر شده، مصداق باطنی این حروف به‌شمار می‌رود. به دیگر سخن، تأویل در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه می‌باشد.

دو. از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾^۴ روایت شده که فرمود:

الْآيَاتُ أُمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ الْأُئِمَّةَ عليهم السلام؛ منظور از آیات، امیرالمؤمنین عليه السلام و دیگر ائمه عليهم السلام هستند.^۵

واژه «آیاتنا» در آیه ۸۳ سوره نمل، ظهور در آیات قرآن دارد، اما در این حدیث به امیرالمؤمنین عليه السلام و دیگر ائمه عليهم السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۳۹۷.

۲. الفضائل، ص ۳۳.

۳. نمل: ۱.

۴. نمل: ۸۳.

۵. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۳۰.

باطنی آیه به شمار می‌رود.

۳. مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)

۳۷



در برخی از احادیث به مصادیق زمان نزول که آیات، ناظر به آنها بوده ظهر و تنزیل گفته شده و به مصادیق مشابه آنها که مفاهیم کلی آیات با صرف نظر از مورد نزول، در همه زمان‌ها بر آن قابل انطباق می‌باشد، بطن و تأویل گفته شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ظاهر قرآن همان مصداق‌ها (اسباب و شأن نزول‌ها) و مواردی است که آیات درباره آنها نازل شده است و باطن قرآن مصداق‌ها و اشخاصی هستند که (در آینده می‌آیند و) مانند گذشتگان (که آیات درباره آنها نازل شده است) عمل می‌کنند.^۱

یعنی آنچه درباره آنان نازل شده، نسبت به اینان نیز صدق می‌کند. گرچه در این حدیث، سخنی از تأویل قرآن به میان نیامده، اما در جای دیگر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ظاهر قرآن، تنزیل آن و باطن قرآن، تأویل آن می‌باشد، بخشی از تأویل آن گذشته است و بخشی هنوز تحقق نیافته، قرآن بسان خورشید و ماه در حرکت است.^۲

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

قرآن تأویلی دارد که بخشی از آن تحقق یافته و بخشی از آن محقق نشده است؛ هنگامی که تأویل آن در زمان یکی از امامان تحقق یابد، امام آن عصر آن را می‌شناسد.^۳

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند:

در میان شما کسی است که بر تأویل قرآن قتال می‌کند چنان‌که من بر تنزیل

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. همان.

۳. بصائر الدرجات، ص ۱۹۵.

آن قتال کردم و او علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

در این روایات، تأویل قرآن به مصادیقی توصیف شده که فراتر از سبب و شأن نزول آیات می‌باشند و بعضی از آنها تا زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روی داده و بعضی از آنها پس از ایشان واقع خواهند شد. به دیگر سخن، لفظ تأویل در مورد «مصدق آیه در گذر زمان» استعمال شده است. این همان قاعده «جری و تطبیق» است که در روایات یادشده به آن اشاره شد. بدین معنا که قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و بر مصادیق جدید تطبیق می‌یابد. این نوع احادیث بر فرازمانی بودن، پویایی و تازگی قرآن برای هر عصر و نسل، تأکید می‌کند. در اینجا به نقل این گونه از روایات تأویلی سوره نمل می‌پردازیم.

در باره آیه: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَطَقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ﴾^۲ پنج روایت در زمینه مصداق آیه در گذر زمان مشاهده شد که به نقل آنها می‌پردازیم:

یک. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

«دَخَلَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام بِنْتُ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَلَى أَبِي بَكْرٍ، فَسَأَلَتْهُ فَذَكَأً، قَالَ: النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لَا يُورَثُ، فَقَالَتْ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ﴾ فَلَمَّا حَاجَّتْهُ أَمْرٌ أَنْ يُكْتَبَ لَهَا، وَشَهِدَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَأُمُّ أَيْمَنَ؛ فَاطِمَةُ عليها السلام دَخَلَتْ مُحَمَّدًا عليه السلام بِرِ ابْنِ أَبِي بَكْرٍ وَارْتَدَّتْ وَفَدَكَ رَأً مَطْلَبَهُ كَرَدَ. ابُو بَكْرٍ كَفَّتْ: «كَسَى مِنْ بِيَامِرِ عليه السلام ارْثَ نَمِي بَرْدَ». حَضْرَتُ فَرَمُودَ: «خَدَاوَنَدُ مَتَعَالِ مِي فَرَمَايِدَ: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ﴾. چُون بَرَايِ او دَلِيلِ آوَرْدَ وَ عَلِي بِنِ ابِي طَالِبِ عليه السلام وَ اُمِّ اِيْمَنِ شَهَادَتِ دَادَنَدَ، دَسْتُورِ دَادَ دَرِ حَكْمِي، فَذَكَ بَرَايِ او نُوَشْتَه شُودَ».^۳

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵.

۲. نمل: ۱۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۵۷.

عبارت «وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» در آیه مورد بحث، دربارهٔ ارث‌بردن حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ از حضرت داود عَلَيْهِ السَّلَامُ است، ولی در روایت فوق، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر ارث‌بردن حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان (جرى و تطبیق) به‌شمار می‌رود.

دو. از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ؛ ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده و از هرچیز به ما عطا گردیده به یقین، این فضیلت آشکاری است.^۱

سه. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمود:

إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ «عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» وَ قَدْ وَدَّ اللَّهُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ عَلَّمَ كُلَّ شَيْءٍ؛ سلیمان بن داود عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: «عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» و به خدا سوگند! ما نیز زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم و از هرچیزی به ما داده شده است.^۲

چهار. ابوحمزه ثمالی گوید:

در خانه امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم، درختی بود که گنجشک‌ها روی آن قرار داشتند، ناگهان پرواز نموده صدایی کردند، حضرت فرمود: «يَا أَبَا حَمَزَةَ أَتَدْرِي مَا تَقُولُ قُلْتُ لَا قَالَ تَقْدُسُ رَبِّهَا وَ تَسْأَلُهُ قُوَّتَ يَوْمِهَا قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا حَمَزَةَ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»؛ ای اباحمزه! می‌دانی چه گفتند؟ عرض کردم: نه! فرمود: پروردگار را تقدیس نمودند و روزی امروز خود را درخواست کردند. و سپس فرمود: ای اباحمزه! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده و از هرچیز به ما عطا گردیده است.^۳

۱. بصائر الدرجات، ص ۳۴۴.

۲. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۲۹۳.

۳. همان.

بنج. علی بن ابی حمزه گوید:

یکی از ارادتمندان امام کاظم علیه السلام وارد شد و عرض کرد: فدایتان شوم! مشتاقم امروز صبح با من غذا میل بفرمایید. امام با او رفت و وارد خانه اش شد و روی تختی که در اتاق بود نشست. در زیر تخت یک جفت کبوتر قرار داشت. کبوتر نر شروع به خواندن برای کبوتر ماده کرد. مرد میزبان رفت که غذا بیاورد. وقتی برگشت دید حضرت در حال خندیدن است؛ عرض کرد: همیشه خندان باشید! به چه می‌خندید؟ حضرت فرمود: «إِنَّ هَذَا الْحَمَامَ هَدَرَ عَلَيَّ هَذِهِ الْحَمَامَةَ فَقَالَ لَهَا يَا سَكْنِي وَ عِزِّي وَ اللَّهُ مَا عَلَيَّ وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ مَا خَلَا هَذَا الْقَاعِدِ عَلَيَّ السَّرِيرِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ تَفْهَمُ كَلَامَ الطَّيْرِ فَقَالَ نَعَمْ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ أُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»؛ این کبوتر برای ماده خود می‌خواند و به او می‌گفت: ای آرام جان وای عروسم! به خدا روی زمین کسی را از تو بیشتر دوست ندارم مگر همین شخصی که روی تخت نشسته است. میزبان عرض کرد: فدایتان شوم! مگر شما زبان پرنده‌ها را هم می‌دانید؟ فرمود: آری، زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده و از هرچیز به ما عطا گردیده است.^۱

مفاد آیه ۱۶ سوره نمل درباره حضرت سلیمان علیه السلام است که زبان پرندگان به او تعلیم داده شده بود؛ اما در این روایات، مفاد آیه یادشده بر ائمه علیهم السلام تطبیق شده است؛ بنابراین تأویل ذکرشده در این روایات از نوع بیان مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به‌شمار می‌رود.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه: ﴿وَجَدْتَهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمْ لَشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾^۲ روایت شده که فرمود:

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لِيَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحَمْرَ يُسْمُونَهُ التَّيِّدَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ أَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ هُمْ مِنِّي بِرَاءٌ يَا ابْنَ مَسْعُودِ الرَّانِي بِأَمِّهِ أَهْوَنُ عِنْدَ اللَّهِ بِأَنْ يُدْخَلَ فِي الرَّبَا مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ وَ مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ قَلِيلًا أَوْ كَثِيرًا هُوَ أَشَدُّ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ آكِلِ الرَّبَا إِنَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ

۱. بصائر الدرجات، ص ۳۴۶.

۲. نمل: ۲۴.

شَرَّ أَوْلِيكَ يَظْلِمُونَ الْأَبْرَارَ وَ يُصَدِّقُونَ الْفَجَّارَ وَ الْفَسَقَةَ الْحَقُّ عِنْدَهُمْ بَاطِلٌ وَ الْبَاطِلُ عِنْدَهُمْ حَقٌّ هَذَا كُلُّهُ لِلدُّنْيَا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ عَلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَلَكِنْ ﴿زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾؛^۱ قسم به خداوندی که مرا به حق فرستاده! زمانی خواهد آمد که مردم شراب را حلال خواهند شمرد و آن را نبیذ می‌نامند، لعنت خدا و ملائکه و مردم بر آنها باد که من از آنها بیزارم و آنها نیز از من برکنارند. پسر مسعود! آنکه با مادر زنا کند گناهش کمتر است از آنکه به‌قدر خردلی ربا داخل مالش شود و هرکه شراب بنوشد کم یا زیاد نزد خدا از رباخوار بدتر می‌باشد که شراب مفتاح همه شرور می‌باشد. آنان به نیکان ستم می‌کنند و فاجران و بدکاران را تصدیق نمایند، حق در نظرشان باطل و باطل حق خواهد بود و همه اینها برای دنیا است که خود می‌دانند بر غیر حق می‌روند؛ ولکن ﴿زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾.^۱

منظور از آیه ۲۴ سوره نمل، بلقیس و قومش هستند؛ اما در روایت فوق از آیه شریفه الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر گناهکارن آخرالزمان تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به‌شمار می‌رود.

۴. مصداق اطلاق یا عموم آیه

در بسیاری از آیات قرآن واژه‌ها یا عباراتی به‌صورت عام یا مطلق آمده که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات تفسیری متعددی که در ذیل این‌گونه از آیات نقل شده، به بیان مصداق عموم یا اطلاق آیه پرداخته است. در برخی از این روایات ضمن بیان این نوع از مصادیق آیات، تصریح شده که این مصادیق در زمره تأویل آیه به‌شمار می‌آیند. ضمناً گاهی اوقات از برخی مصادیق عموم یا اطلاق آیه، تحت عنوان مصداق اتم و اکمل نام برده شده است. لازم به ذکر است که مصداق عموم یا اطلاق آیه با مصداق باطنی آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق عموم یا اطلاق آیه برای غیرمعصوم نیز قابل فهم است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض، غیرمعصوم چنین مصادیقی را بیان کند، فاقد حجیت است. اینک به نقل این نوع از روایات تأویلی در سوره نمل می‌پردازیم.

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۵۳.

در باره آیه ﴿وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ﴾ سه روایت در زمینه مصداق اطلاق یا عموم آیه مشاهده شد که به نقل آنها می‌پردازیم:

یک. از علی بن ابراهیم قمی چنین روایت شده است:

هُم آل مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ منظور از آنها آل مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند^۱

دو. از ابن عباس چنین روایت شده است:

هُم أَهْلُ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ أَوْلَادُهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ هُمْ صَفْوَةُ اللَّهِ وَ خَيْرُهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ منظور از ایشان اهل بیت پیغمبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ یعنی علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت فاطمه (س)، امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ و اولادشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است. آنها هستند که برگزیدگان خدا می‌باشند.^۲

سه. از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ خَلْقًا لَيْسَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا مِنْ وُلْدِ إِبْلِيسَ يَلْعَنُونَ مُبْغِضِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالُوا مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: هُمُ الْقَنَابِرُ يُنَادُونَ فِي السَّحَرِ عَلِيٌّ رُءُوسَ الشَّجَرِ أَلَّا لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيَّ مُبْغِضِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ سَلَامٌ عَلَيَّ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛ خداوند گروهی را آفرید که نه از اولاد آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ و نه از فرزندان ابلیس اند و همیشه دشمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را لعن می‌کنند! اصحاب پرسیدند آنها کیستند؟ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آنها پرنده‌گانی هستند که قنبره نام دارند و به هنگام سحر بر شاخه درختان ندا می‌کنند؛ لعنت خدا بر دشمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِمَا السَّلَامُ باد! سپس

۱. نمل: ۵۹.

۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۳. مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ج ۳، ص ۳۸۰.

بر آن حضرت درود فرستاده و می‌گویند: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ﴾^۱.

۴۳



گروه‌شناسی تحلیلی روایات تأویلی سوره نمل

عبارت ﴿عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ﴾ در آیه ۵۹ سوره نمل، مطلق است و همه بندگان برگزیده خدا را شامل می‌شود؛ اما در این حدیث به اهل بیت علیهم‌السلام و امام علی علیه‌السلام تأویل شده که این تأویل از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه به‌شمار می‌رود.

ذیل آیه ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾^۲ پنج روایت تأویلی در زمینه مصداق اطلاق یا عموم آیه مشاهده شد که در ادامه آنها را ذکر می‌کنیم:

یک. از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه روایت شده که فرمود:

نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ علیه‌السلام هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ؛ این آیه درباره قائم علیه‌السلام نازل گردیده است. به خدا سوگند! مضطرّ اوست، آنگاه که در مقام، دو رکعت نماز به‌جا آورد و به درگاه خدا دعا کند و خداوند دعای وی را مستجاب نموده، بدی را از او دور نماید و او را خلیفه روی زمین قرار می‌دهد.^۳

دو. از امام باقر علیه‌السلام درباره آیه مزبور روایت شده که فرمود:

نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ علیه‌السلام إِذَا خَرَجَ تَعَمَّمٌ وَ صَلَّى عِنْدَ الْمَقَامِ وَ تَضَرَّعَ إِلَىٰ رَبِّهِ فَلَا تُرَدُّ لَهُ رَأْيَةٌ أَبَدًا؛ این آیه درباره قائم علیه‌السلام نازل شده است. آن حضرت چون خروج کند، عمامه بر سر می‌نهد و در مقام، نماز می‌خواند و به درگاه پروردگار تضرّع می‌کند، از این رو هرگز شکست نخواهد خورد.^۴

سه. امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ فرمود:

۱. کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ص ۴۲۹.

۲. نمل: ۶۲.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۴. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ص ۳۹۹.

أُنزِلَتْ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ وَ جَبْرَيْلُ عَلَى الْمِيزَابِ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أَيْضَ فَيَكُونُ أَوْلَى
 خَلْقِي يُبَايِعُهُ وَيُبَايِعُهُ النَّاسُ الثَّلَاثُمِائَةَ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ؛ ابن آیه درباره قائم علیه نازل
 شده است و جبرئیل علیه به صورت پرنده سفیدی بر ناودان کعبه نشست؛
 نخستین کسی که با او بیعت می کند جبرئیل علیه است. آن گاه سبب دوسیزده
 نفر با وی بیعت می کنند.^۱

چهار. از امام باقر علیه روایت شده که فرمود:

وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ وَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهُ حَقَّهُ
 ثُمَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِّجَنِي فِي اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِاللَّهِ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ
 يُحَاجِّجَنِي فِي آدَمَ فَأَنَا أَوْلَى بِآدَمَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِّجَنِي فِي نُوحٍ عَلَيْهِ فَأَنَا أَوْلَى
 بِنُوحٍ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِّجَنِي فِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ فَأَنَا أَوْلَى بِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ أَيُّهَا
 النَّاسُ مَنْ يُحَاجِّجَنِي فِي مُوسَى فَأَنَا أَوْلَى بِمُوسَى أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِّجَنِي فِي
 عِيسَى فَأَنَا أَوْلَى بِعِيسَى أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِّجَنِي فِي مُحَمَّدٍ ﷺ فَأَنَا أَوْلَى
 بِمُحَمَّدٍ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يُحَاجِّجَنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِكِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ يَنْتَهِي
 إِلَى الْمَقَامِ فَيَصَلِّي رُكْعَتَيْنِ وَ يَنْشُدُ اللَّهُ حَقَّهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ هُوَ وَ اللَّهُ
 الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ
 يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؛ به خدا قسم گویا قائم علیه را می نگرم که به
 حجرالأسود تکیه داده و مردم را به حق خودش سوگند می دهد و می فرماید:
 «ای مردم! هرکس درباره خدا گفتگوی دارد از من بپرسد که من از هرکس به
 خدا نزدیکترم. ای مردم! هرکس که می خواهد درباره آدم علیه با من گفتگو
 کند که من نزدیکترین مردم به آدم علیه هستم. ای مردم! هرکس که
 می خواهد درباره نوح علیه با من گفتگو کند که من نزدیکترین مردم به
 نوح علیه هستم. ای مردم! هرکس که می خواهد درباره ابراهیم علیه با من

گفتگو کند که من نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم علیه السلام هستم. ای مردم! هرکس که می‌خواهد، درباره موسی علیه السلام با من گفتگو کند که من نزدیک‌ترین مردم به موسی علیه السلام هستم. ای مردم! هرکس که می‌خواهد، درباره عیسی علیه السلام با من گفتگو کند که من نزدیک‌ترین مردم به عیسی علیه السلام هستم. ای مردم! هرکس که می‌خواهد درباره محمد صلی الله علیه و آله با من گفتگو کند که من نزدیک‌ترین مردم به محمد صلی الله علیه و آله هستم. ای مردم! هر کس که می‌خواهد، با من در مورد کتاب خدا گفتگو کند که من از همه نسبت به کتاب خدا سزاوارترم». آن‌گاه به طرف مقام ابراهیم می‌رود و دو رکعت نماز می‌گزارد. سپس مجدداً مردم را به حق خودش به خدا سوگند می‌دهد که الله حق. به خدا سوگند! که منظور از مضطر در آیه **﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾**، اوست و این آیه در حق وی نازل شده است.^۱

پنج. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

إِنَّ الْقَائِمَ علیه السلام إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيَسْتَقْبِلُ الْكَعْبَةَ وَ يَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ ثُمَّ يُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِسْمَاعِيلَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَيَدْعُو وَ يَتَضَرَّعُ حَتَّى يَقَعَ عَلَى وَجْهِهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ؛ هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند، وارد مسجد الحرام می‌شود و رو به قبله ایستاده به‌گونه‌ای که مقام در پشت سر وی قرار گرفته باشد. سپس دو رکعت نماز می‌خواند و آنگاه برخاسته و می‌گوید: «ای مردم! من نزدیک‌ترین مردم به آدم علیه السلام هستم؛ ای مردم! من نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم علیه السلام هستم. ای مردم! من نزدیک‌ترین مردم به اسماعیل علیه السلام هستم. ای مردم! من

۱. تفسیر الفمی، ج ۲، ص ۲۰۴.

نزدیک‌ترین مردم به محمد ﷺ هستیم». سپس دستان خود را به طرف آسمان بلند کرده و آن قدر دعا می‌خواند و تضرع می‌جوید تا اینکه به صورت بر زمین می‌افتد و این همان گفتار خداوند است: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِلَّهِ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ»^۱

واژه «الْمُضْطَرَّ» در آیه ۶۲ سوره نمل، مطلق است و هر مضطری را شامل می‌شود؛ اما در این حدیث بر حضرت قائم علیه تأویل شده که این تأویل از نوع بیان مصداق اتم اطلاق آیه به شمار می‌رود.

در مورد آیات «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ؛ وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۲ نه روایت در زمینه مصداق اطلاق یا عموم آیه مشاهده شد که به نقل آنها می‌پردازیم:

یک. از امام علی علیه روایت شده که فرمود:

الْحَسَنَةُ مَعْرِفَةُ الْوَلَايَةِ وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ السَّيِّئَةُ انْكَارُ الْوَلَايَةِ وَ بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ حسنه، شناخت ولایت و محبت به ما اهل بیت علیه است و سیئه، انکار ولایت و کینه‌ورزیدن نسبت به ما اهل بیت علیه است.^۳

دو. از امام باقر علیه روایت شده که فرمود:

مَنْ تَوَلَّى الْأَوْصِيَاءَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ اتَّبَعَ آثَارَهُمْ فَذَاكَ يَزِيدُهُ وَلَايَةَ مَنْ مَضَى مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ الْأُولِينَ حَتَّى تَصِلَ وَلَايَتُهُمْ إِلَى آدَمَ عَلَيْهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا يُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ؛ هر کس اوصیاء از آل محمد ﷺ را دوست بدارد و از سنت آنها پیروی کند، این دوستی موجب افزایش ولایت سایر پیامبران و اوصیاء گذشته تا به آدم علیه می‌شود، همین

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۳۹۹.

۲. نمل: ۸۹ و ۹۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۴.

است معنی آیه: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا که موجب دخول بهشت می‌شود.^۱

سه. از امام باقر علیه السلام درباره آیات ۸۹ و ۹۰ سوره نمل سؤال شد؛ حضرت فرمود:

الْحَسَنَةُ وَالْأَيَةُ عَلَى عليه السلام وَالسَّيِّئَةُ عَدَاوَتُهُ وَبُغْضُهُ؛ حسنه، ولایت علی علیه السلام و سیئه، بغض و دشمنی با اوست.^۲

چهار. از امام صادق علیه السلام درباره آیات ۸۹ و ۹۰ سوره نمل سؤال شد؛ حضرت فرمود:

الْحَسَنَةُ وَالْأَيَةُ وَحُبُّنَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلْ لَهُمْ عَمَلًا وَلَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا فَهَوَ بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عليه السلام؛ مراد از حسنه، ولایت و حب ماست. در آیه: وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ؛ مراد از سیئه، کینه ما اهل بیت علیه السلام است که از آنها هیچ عملی را از خیر و خوبی نمی‌پذیرد.^۳

پنج. عبدالله بن ابی‌یعفور به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

مگر خداوند نمی‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ»، پس چگونه کسی با دوست داشتن پیشوایان جور، از عمل صالحی که انجام می‌دهد، سود نخواهد برد؟ حضرت فرمود: «هَلْ تُدْرِي مَا الْحَسَنَةُ الَّتِي عَنَاهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْآيَةِ هِيَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَطَاعَتُهُ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» وَإِنَّمَا أَرَادَ بِالسَّيِّئَةِ انْكَارَ الْإِمَامِ الَّذِي هُوَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى: آیا می‌دانی منظور از حسنه‌ای که در آیه است، چیست؟ یعنی معرفت امام و اطاعت از او. خداوند متعال فرموده است: «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا

۱. همان، ج ۱۵، ص ۸۳۱.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۳۹.

۳. تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۴۰.

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» منظور از سیئه، انکار امامی که از جانب خدا تعیین شده است.^۱

شش. امام باقر علیه السلام آیه **«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعِ يَوْمِئِذٍ آمِنُونَ»** را تلاوت کرد و فرمود:

فَالْحَسَنَةُ وَاللَّهُ وَوَلَايَةُ عَلِيٍّ: به خدا قسم، مراد از حسنه، ولایت علی علیه السلام می باشد.^۲

واژه‌های «الْحَسَنَةُ» و «السَّيِّئَةُ» در آیات ۸۹ و ۹۰ سوره نمل، مطلق است و هر کار نیک و بدی را شامل می‌شوند؛ اما در احادیث فوق به شناخت ولایت و محبت به اهل بیت علیهم السلام و انکار ولایت و کینه‌ورزیدن نسبت به ایشان تأویل شده که این تأویل از نوع بیان مصداق اتم اطلاق آیه به‌شمار می‌رود.

هفت. اصبع بن نباته از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که درباره آیه **«وَهُمْ مِنْ فَرْعِ يَوْمِئِذٍ آمِنُونَ»**^۳ فرمود:

يَا أَصْبُعُ مَا سَأَلَنِي أَحَدٌ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَقَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْهَا كَمَا سَأَلْتَنِي فَقَالَ لِي سَأَلْتُ جِبْرِئِيلَ عَنْهَا فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَشَرَكَ اللَّهُ أَنْتَ وَ أَهْلَ بَيْتِكَ وَ مَنْ يَتَوَلَّاكَ وَ شِيعَتَكَ حَتَّى يَقِفُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَيَسْئُرُ اللَّهُ عَوْرَاتِهِمْ وَ يُؤْمِنُهُمْ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ بِحُبِّهِمْ لَكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِكَ وَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام؛ ای اصبع! همان گونه که تو از من درباره این آیه سؤال کردی من هم از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد آن پرسیدم. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من هم از جبرئیل سؤال کردم. جبرئیل گفت: ای محمد! هنگامی که روز قیامت برپا شود، خداوند تو و اهل بیتت و کسانی که به تو علاقه دارند و پیروانت را محشور می‌کند تا در پیشگاه خداوند می‌ایستند، پس خداوند عیوب

۱. تهذیب الأحکام، ص ۴۱۷.

۲. نمل: ۸۹.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۷.

۴. نمل: ۸۹.

آنها را می‌پوشاند و به خاطر محبت آنها به تو و اهل بیت و علی بن ابی طالب علیهم‌السلام آنها را ایمنی می‌بخشد.^۱

هشت. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده که فرمود:

يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَشِيعَتُكَ عَلَى الْحَوْضِ تَسْمُونَ مَنْ رَضِيْتُمْ وَتَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ وَ أَنْتُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يُفْرَعُ الْحَلَائِقُ وَ لَا يُفْرَعُونَ وَ يَحْزَنُ النَّاسُ وَ لَا يَحْزَنُونَ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ {هَذِهِ} الْآيَةُ {وَ هُمْ مِنْ فِرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ}؛ ای علی! تو و شیعیانت بر سر حوض کوثر، هرکس را دوست داشته باشید، سیراب می‌کنید و از هرکس نفرت داشته باشید، باز می‌دارید. شما روز ترس بزرگ در سایه عرش در امانید. مردم می‌هراسند و شما نمی‌هراسید. مردم اندوهگین می‌شوند و شما اندوهناک نمی‌شوید. این آیه درباره شما نازل شده است: {وَ هُمْ مِنْ فِرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ}.^۲

عبارت {هُم مِنْ فِرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ} در آیه ۸۹ نمل، عام است و همه کسانی را که کار نیکی انجام دهند شامل می‌شود، اما در دو روایت اخیر به کسانی که محب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام هستند و نیز بر امام علی علیه‌السلام و شیعیانش، تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایات از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه به‌شمار می‌رود.

نُه. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود:

إِنَّ النَّاسَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ فَطَبَقَةٌ يَعْبُدُونَهُ رَغْبَةً إِلَى ثَوَابِهِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْخُرَصَاءِ وَ هُوَ الطَّمَعُ وَ آخَرُونَ يَعْبُدُونَهُ خَوْفًا مِنَ النَّارِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ هِيَ الرَّهْبَةُ وَ لِكُنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ وَ هُوَ الْأَمْنُ لِقَوْلِهِ تَعَالَى {وَ هُمْ مِنْ فِرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ}؛ مردم سه گونه خدای عزوجل را پرستش می‌کنند؛ یک گروه به امید ثواب، خدا را عبادت می‌کنند، این عبادت، عبادت حریصان است، اینان طمع‌کاران‌اند. دسته دوم خدا را از ترس دوزخ پرستش می‌کنند، این عبادت، عبادت بردگان است، اینان ترسوها هستند. اما من او را

۱. تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۱۱.

۲. همان، ص ۲۶۶.

به خاطر عشقی که به وی دارم پرستش می‌کنم و این عبادت، عبادت بزرگواران است. اینان در امان‌اند، زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَهُمْ مِّنْ فِرْعَیْ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾^۱

عبارت ﴿هُم مِّنْ فِرْعَیْ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ در آیه مورد بحث، عام است و همه کسانی را که کار نیکی انجام دهند شامل می‌شود، ولی در روایت فوق بر امام صادق علیه السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه به‌شمار می‌رود.

از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه ﴿سَیْرِیْكُمْ آیَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا﴾^۲ چنین روایت شده است:

أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام إِذَا رَجَعُوا یَعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ؛ وَ الدَّلِیلَ عَلَیَّ أَنَّ الْآیَاتِ هُمُ الْأَئِمَّةُ قَوْلُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام مَا لَیْلَهُ آیَةٌ أَعْظَمَ مِنِّیْ فَإِذَا رَجَعُوا إِلَى الدُّنْیَا یَعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ فِی الدُّنْیَا؛ منظور از آیات، امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان علیهم السلام هستند؛ هنگامی که به دنیا رجعت نمودند، دشمنانشان که آنها را می‌بینند، آنان را می‌شناسند. دلیل بر اینکه این آیات، ائمه علیهم السلام می‌باشند، کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود: «برای خدا آیتی بزرگ‌تر از من نیست». پس وقتی که آن ذوات مقدسه به دنیا برگشتند دشمنان آنها، آنان را می‌شناسند.^۳

واژه «آیات» در آیه ۹۳ سوره نمل، مطلق است و هر نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند را شامل می‌شود؛ اما در این حدیث به امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان علیهم السلام تأویل شده که این تأویل از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه به‌شمار می‌رود.

۵. معنای آیه متشابه

آیات متشابه آیتی است که ظهور در معنای شبهه‌انگیز دارند. به دیگر سخن، تشابه در آیات

۱. الأملی (صدوق)، ص ۳۸.

۲. نمل: ۹۳.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۳۲.

متشابه، تشابه حق و باطل است به گونه‌ای که سخن حق گونه خداوند، باطل گونه جلوه‌گر می‌شود.^۱ به همین دلیل است که آیات متشابه نیاز به تأویل دارند تا معنای اصلی آنها که فراتر از معنای ظاهری بوده، آشکار گردد. در آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾^۲ تأویل بر معنای اصلی آیه متشابه، اطلاق شده است.

در روایات تأویلی سوره نمل دو روایت مشاهده شد که به تأویل آیه متشابه پرداخته است. در ادامه به نقل آنها می‌پردازیم.

یک. از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه ﴿إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا﴾^۳ چنین روایت شده است:

مَعْنَاهُ وَلَا مَنْ ظَلَمَ فَوُضِعَ حَرْفُ مَكَانِ حَرْفٍ؛ معنای «إِلَّا مَنْ ظَلَمَ»، «و لا مَنْ ظَلَمَ» است که حرف «إِلَّا» به جای حرف «لا» گذاشته شده است.^۴

دو. از امام علی عليه السلام روایت شده که فرمود:

أَمَّا مَا جَاءَ فِي أَصْلِ التَّنْزِيلِ حَرْفٌ مَكَانَ حَرْفٍ فَهُوَ ... كَقَوْلِهِ ﴿يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيْ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ﴾^۵ وَإِنَّمَا مَعْنَاهُ وَلَا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ؛ اما آیاتی که در ظاهر آنها کلمه‌ای به جای کلمه‌ای دیگر به کار رفته است... مانند این سخن خداوند است: ﴿يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيْ الْمُرْسَلِينَ؛ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ﴾ که معنای آن «إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ» است.^۵

عبارت «مَنْ ظَلَمَ» در آیه ۱۱ سوره نمل، با توجه به سیاق آیه، ظهور در معنای شبهه‌انگیزی دارد که با عصمت انبیا تنافی داشته و متشابه می‌باشد؛ لذا در این دو روایت، رفع تشابه از معنای ظاهری

۱. ر.ک: علوم قرآنی، ۲۳۶.

۲. آل عمران: ۷.

۳. نمل: ۱۱.

۴. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۶.

۵. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۲.

آیه شده است؛ بنابراین تأویل در این احادیث از نوع بیان معنای آیه متشابه می‌باشد.

۶. تحقق مفاد آیه

در برخی آیات، تحقق و تجسم عینی مفاد آیه، تأویل آن آیه نامیده شده است. به دیگر سخن، در این آیات، کلمه تأویل به حسب نظر مشهور، در مورد قرآن به کار رفته و ظاهراً مراد از آن همان مصداق عینی وعد و وعیدهای قرآن کریم و اخبارهای آن از جهان آخرت است. آیات یادشده عبارت‌اند از:

یک. ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾^۱

اظهار آن است که مراد از تأویل قرآن در این آیه کریمه، همان مصداق خارجی و تجسم عینی خبرها و وعد و وعیدهایی است که قرآن کریم در زمینه آخرت بیان داشته است و ماهیت آنها در این جهان برای انسان پنهان است.^۲

دو. ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾^۳

در این آیه، ظاهراً ضمیر «تأویله» به «ما لم یحیطوا» بر می‌گردد. به نظر می‌رسد با توجه به «لما یأتهم تأویله» اظهار در تفسیر «مالم یحیطوا» همان تفسیر به وعد و وعیدها و اخبار قرآن از آخرت، بهشت و جهنم است.^۴ در نتیجه، معنای تأویل در این آیه نیز همان معنایی است که در آیه گذشته بیان شد. یعنی مراد از آن، مصداق خارجی و حقیقت عینی وعد و وعیدهای قرآن و اخبارهای غیبی آن نسبت به عالم آخرت است؛ زیرا کلمه «اتیان تأویل» مناسب با چنین معنایی است.

در برخی از روایات نیز به صراحت از تحقق مفاد آیه به عنوان تأویل آن یاد شده است. به عنوان

۱. اعراف: ۵۳.

۲. ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۵۷.

۳. یونس: ۳۹.

۴. ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۶۷.

نمونه از امام صادق علیه السلام درباره آیه **﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾**^۱ روایت شده که فرمود:

۵۳

به خدا سوگند! تاویل این آیه محقق نخواهد شد تا زمانی که قائم علیه السلام ظهور کند.^۲



آیه مذکور از چیرگی و غلبه دین حق بر همه ادیان خبر می‌دهد و در این روایت از تحقق مفاد آیه هنگام ظهور امام زمان علیه السلام به عنوان تاویل آیه، یاد شده است.

در روایات تاویلی سوره نمل نیز از این نوع تاویل وجود دارد که در ادامه آن را ذکر می‌کنیم.

از امام علی علیه السلام درباره آیه **﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾**^۳

روایت شده که فرمود:

يُفَرِّقُ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ بِخُرُوجِ ذَاتِ الْأَرْضِ وَثِقَلِ الرُّومِ إِلَى قَرْيَةِ بِسَاحِلِ الْبَحْرِ عِنْدَ كَهْفِ الْفِثِيَّةِ وَيَبْعَثُ اللَّهُ الْفِثِيَّةَ مِنْ كَهْفِهِمْ إِلَيْهِمْ مِنْهُمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ مَلِيخَا وَالْآخِرُ كَمَسْلَمِينَا وَهُمَا الشَّاهِدَانِ الْمُسْلِمَانِ لِلْقَائِمِ فَيَبْعَثُ أَحَدَ الْفِثِيَّةِ إِلَى الرُّومِ فَيَرْجِعُ بِغَيْرِ حَاجَةٍ وَيَبْعَثُ بِالْآخِرِ فَيَرْجِعُ بِالْفَتْحِ فَيَوْمَئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا لِيُرِيَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ فَيَوْمَئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ وَالْوَزْعُ حَقَّقَانُ أَفْتَدِيَهُمْ وَ يَسِيرُ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ بِرَايَةِ الْهُدَى وَالسَّيْفِ ذِي الْفَقَارِ وَالْمُحْصِرَةَ حَتَّى يَنْزِلَ أَرْضَ الْهَجْرَةِ مَرَّتَيْنِ وَ هِيَ الْكُوفَةُ؛ با خروج جنبنده زمین، بین حق و باطل فرق نهاده می‌شود، و طایفه روم به سمت روستایی در ساحل دریا نزد غار جوانان روم می‌آورد و خدا جوانان را از غارشان به سمت آنان برمی‌انگیزد. مردی از آنان به نام «ملیخا» و مرد دیگری به نام «کمسلمینا» هستند که دو شاهد تسلیم شونده قیام قائم علیه السلام هستند. آن حضرت یکی از اصحاب کهف را به سمت روم

۱. توبه: ۳۳.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۷۰.

۳. نمل: ۸۳.

می‌فرستد و او نمی‌تواند کاری بکند، و فرد دیگری را می‌فرستد که فاتحانه برمی‌گردد و آن روز تأویل این آیه است: و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر [فرمان] او تسلیم‌اند. سپس خدا از هر امتی گروهی را برمی‌انگیزد تا آنچه وعده داده می‌شدند را ببینند، و آن روز تأویل این آیه است: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ و ترس موجب اضطراب دل‌های آنان می‌شود. و صدیق اکبر با پرچم هدایت و شمشیر ذوالفقار و چیزی شبیه تازیانه حرکت می‌کند تا اینکه دو مرتبه به سرزمین هجرت که همان کوفه است، فرود می‌آید.^۱

در روایت فوق، تحقق مفاد آیه ۸۳ سوره نمل را در دوران رجعت دانسته است؛ بنابراین تأویل در این روایت از نوع تحقق مفاد آیه محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

از مجموع ۳۲ روایت تأویلی سوره نمل این نتیجه حاصل شد که در این روایات، شش گونه تأویل قرآن وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه (۳ روایت)، مصداق باطنی آیه (۲ روایت)، مصداق آیه درگذر زمان (۶ روایت)، مصداق اطلاق یا عموم آیه (۱۸ روایت)، معنای آیه متشابه (۲ روایت) و تحقق مفاد آیه (۱ روایت).

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الإحتجاج على أهل اللجاج، طبرسی، احمد بن علی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳. الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، مفید، محمد بن محمد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴. الأمالی، صدوق، محمد بن علی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۵. الأمالی، طوسی، محمد بن حسن، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۶. «انواع روایات تأویلی سورة آل عمران درباره حضرت علی عليه السلام»، قهاری کرمانی، محمدهادی، پژوهش نامه نقد آراء تفسیری، شماره ۲، ۱۳۹۹ش.
۷. «انواع روایات تأویلی سورة هود درباره امام علی عليه السلام»، قهاری کرمانی، محمدهادی، مطالعات علوم قرآن، شماره ۷، ۱۴۰۰ش.
۸. بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۹. «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن پژوهان معاصر»، ذوفقاری، شهاب‌الدین، مجله حسنا، شماره ۲۱، ۱۳۹۳ش.
۱۰. البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، قم: مؤسسه بعثه، ۱۴۱۵ق.
۱۱. بصائر الدرجات، صفار، محمد بن حسن، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، فیروزآبادی، مجدالدین، بیروت: المکتبه العلمیه، بی تا.
۱۳. پژوهشی در محکم و متشابه، اسعدی، محمد و طیب‌حسینی، سید محمود، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.
۱۴. «تأویل از نگاه تحقیق»، نصیری، علی، مجله بینات، شماره ۱۷، ۱۳۷۷ش.
۱۵. تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، استرآبادی، علی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. «تأویل قرآن در منظر اهل بیت عليهم السلام»، آگاه، حمید، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۵ش.
۱۷. «تأویل قرآن»، بابایی، علی اکبر، مجله معرفت، شماره ۶، ۱۳۷۲ش.

۱۸. «تأویل»، شاکر، محمدکاظم، دایرة المعارف قرآن کریم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۱۹. ترتیب کتاب العین، فراهیدی، خلیل بن احمد، تهران: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۰. تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ق.
۲۱. تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۲۲. تفسیر فرات الکوفی، کوفی، فرات بن ابراهیم، تهران: مؤسسه الطبع و وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۳. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۲۴. تهذیب الأحکام، طوسی، محمد بن حسن، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۵. روش های تأویل قرآن، شاکر، محمدکاظم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶ش.
۲۶. الصحاح اللغه، جوهری، اسماعیل بن حماد، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۸ق.
۲۷. علل الشرائع، صدوق، محمد بن علی، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۲۸. علوم قرآنی، معرفت، محمدهادی، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۸۸ش.
۲۹. الغیبة للنعمانی، نعمانی، محمد بن ابراهیم، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۳۰. الفضائل، ابن شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل، قم: رضی، ۱۳۶۳ش.
۳۱. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۳۲. کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنین عليه السلام، حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، تهران: ۱۴۱۱ق.
۳۳. کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، محمد بن علی، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۳۴. «گونه شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین عليه السلام»، قهاری کرمانی، محمدهادی، سفینه، شماره ۷۳، ۱۴۰۰ش.
۳۵. «گونه شناسی روایات تأویلی سوره نحل درباره امیرمؤمنان عليه السلام»، قهاری کرمانی، محمدهادی، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، شماره ۶، ۱۴۰۰ش.
۳۶. لسان العرب، ابن منظور، محمد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۳۷. «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه های مشهور بر اساس آن»، قهاری کرمانی، محمدهادی، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، شماره ۳، ۱۳۹۸ش.

۳۸. مبانی و روش های تفسیر، شاکر، محمدکاظم، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۳۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۰. مختصر البصائر، حلّی، حسن بن سلیمان، قم: مؤسسه النشرالإسلامی، ۱۴۲۱ق.
۴۱. معانی الاخبار، صدوق، محمد بن علی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۴۲. معجم تهذیب اللغة، ازهری، محمد بن احمد، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۴۳. معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، احمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۴. «معناشناسی تاویل در روایات»، فرجاد، محمد، مجله پژوهش های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۳ش.
۴۵. «معناشناسی تاویل قرآن در منظر اهل بیت (علیهم السلام)»، علوی نژاد، سیدحیدر، مجله حسنا، شماره ۲، ۱۳۸۲ش.
۴۶. المفردات، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، قم: نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۴۷. مکارم الأخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۴۸. مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۴۹. النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، ابن اثیر، مبارک بن محمد، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.

